

فورگراندینگ در سوره مبارکه «نور» از دیدگاه فرمالیستی

حسن مجیدی^۱

زهرا گلمحمدیان^۲

چکیده

فورگراندینگ یکی از مباحث مهم فرمالیسم روسی است، این مکتب، اثر ادبی را با توجه به هماهنگی و تناسب بین فرم و محتوا بررسی می‌کند و علل زیبایی متن از جهت ادبی و هنری را مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این مقاله سعی شده تا سوره نور به شیوه فورگراندینگ تحلیل شود. شایان ذکر است که فورگراندینگ به دو شاخه هنجارکاهی و هنجار افزایی تقسیم می‌شود که پژوهش حاضر این دو مقوله را تحت عنوان فراهنجاری مورد بررسی قرار داده است و سعی شده زیبایی های این سوره با استفاده از گونه های فراهنجاری مشخص شود؛ گونه های فراهنجاری شامل فراهنجاری آوایی، فراهنجاری واژگانی، فراهنجاری نحوی، فراهنجاری معنایی و فراهنجاری بافتی می‌باشد که هر کدام از این شاخه ها آیات سوره را به صورت دقیق، ادبی و عمیق مورد واکاوی و بررسی قرار می‌دهد و برجستگی ها و زیبایی های لغوی و ادبی سوره را تعیین می‌کند، به این جنبه ها که باعث تشخیص و برجستگی هر چه بیش تر زبان می‌شوند فورگراندینگ گویند که با این تعریف اعم از آشنایی زدایی و برجسته سازی است. شیوه پژوهش نقد فرمالیستی است و هدف آن یافتن برجستگی های سوره نور و تحلیل آن‌ها براساس مفاهیم برجسته سازی می‌باشد. نتیجه حاصل از پژوهش این است که مفهوم فورگراندینگ در حجم بالا و با جایگیری عالی بروز یافته است.

واژگان کلیدی: قرآن، سوره نور، فرمالیسم روسی، فراهنجاری، فورگراندینگ.

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری h.majidi@hsu.ac.ir

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول) Zahra.gol170@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۳

مقدمه

فرمالیسم روسی مکتب نقد ادبی است که اثر ادبی را از جهت صورت و معنا بررسی می‌کند، و زیبایی و برجستگی های موجود در اثر را مشخص می‌نماید و بیان می‌دارد که فورگراندینگ^۱ هر تشخیص و برجستگی و زبانی را شامل می‌شود که از مهم‌ترین عناصر ادبی بودن متن است و جنبه کاملاً بلاغی دارد. در این پژوهش علت انتخاب عنوان فورگراندینگ به جای عنوان برجسته سازی آن است که فورگراندینگ و برجسته سازی مفاهیمی هم ردیف معرفی شده اند و فورگراندینگ همان برجسته سازی است، با این تفاوت که هر تشخیص و برجستگی زبانی را شامل می‌شود، یعنی فورگراندینگ عنوانی عام است و برجسته سازی زیرمجموعه آن می‌باشد. وقتی اثر ادبی را با کمک نقد فرمالیستی بررسی می‌کنیم بهتر آن است که این بررسی با اصطلاحات و عناوین متناسب با این مکتب صورت گیرد.

این پژوهش بر آن است که فورگراندینگ را با کمک اقسام فراهنجاری تبیین نماید، فراهنجاری به معنای بیرون آمدن از فرم و نرم عادی زبان می‌باشد و در اثر ادبی گاه به شیوه های متعدد از هنجارهایی که در زبان عادی شده اند، پای بیرون می‌نهد و به طریقی دیگر به بیان مفهوم می‌پردازد تا آن را به صورتی نو و جدید معرفی نماید، فراهنجاری شامل فراهنجاری آوایی، فراهنجاری واژگانی، فراهنجاری نحوی، فراهنجاری معنایی و فراهنجاری بافتی می‌باشد که هر کدام از این شاخه ها اثر ادبی را با کمک علوم زبانی مورد بررسی قرار می‌دهد. در فراهنجاری آوایی گوینده از قواعد آوایی زبان معیار پای بیرون می‌گذارد و صورت آوایی رایج را به کار نمی‌برد و تفاوت های آوایی واژگان از لهجه ها و گونه های اجتماعی زبان وارد ادبیات منشور محلی می‌شود. در فراهنجاری واژگانی، گاهی بسامد برخی از لغات در آثار کسی توجه برانگیز است، از این رو در تعیین سبک شخصی راهگشا است یا هنرمند رفتار ذهنی خاصی با برخی از کلمات دارد، یعنی معنایی خاص یا احساسی ویژه را به آن‌ها حمل می‌کند. در فراهنجاری نحوی، قواعد دستور زبان باید ویژگی مهم تکرار را داشته باشد، قواعد تکراری (که هر بار قابل تکرار هستند) این توانایی را دارند که بیش تر از یک بار اعمال شوند. در اصل دستور زبان باید قادر به لحاظ کردن این واقعیت باشد که یک گروه می‌تواند بارها و بارها (به حد لزوم) تکرار شود. باید توجه شود که این نوع تکرار، فقط یک ویژگی دستور زبان نیست، بلکه هم چنین بخشی اساسی از یک نظریه ساخت کیهانی را تشکیل می‌دهد. در فراهنجاری بافتی، هر وقت زبان برای بیان مفهومی خاص عبارتی مناسب نداشته باشد سخنگویان اغلب یک واژه موجود را می‌گیرند و معنای آن را به طریقی قابل ملاحظه گسترش می‌دهند. در این گونه موارد زبان واژه ای جدید را کسب نمی‌کند، اما چون واژه ای به مفهوم تازه به کار برده می‌شود، مثل این است که واژه ای جدید بر زبان افزون می‌گردد. در فراهنجاری معنایی، هر تغییری در معنای یک صورت زبانی تنها نتیجه بروز تغییری در

1. Foregrounding

استعمال آن صورت زبانی و صورت های زبانی دیگر است که از نظر معنایی به آن‌ها ارتباط دارند. پژوهندگان پیشین، به هر حال، با این مسئله طوری برخورد می‌کردند که گویی صورت زبانی چیزی به نسبت پایدار است و معنا هم چون پیرو یا ملازمی تغییر پذیر به آن می‌پیوندد. ترجمه های آیات از محمد مهدی فولادوند است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به پژوهش هایی که در زمینه آشنایی زدایی نگاشته شده اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- قاسم مختاری، مطهره فرجی، آشنایی زدایی در جزء سی ام قرآن کریم، مجله پژوهش‌های ادبی قرآنی، تابستان ۹۲، صص ۹۳-۱۱۶. این پژوهش به منظور تطبیق نظریه صورتگرایان با زبان قرآن، نمونه هایی از هنجارگریزی (قاعده کاهی و قاعده افزایی) را در برخی آیات شریفه جزء سی ام قرآن کریم نشان می‌دهد و در نهایت با تکیه بر تفاسیر ادبی قرآن کریم، بازتاب تأثیر آن را در کشف معنای مقصود و نیز کسب التذاذ بیش تر بیان می‌کند.

۲- هومن ناظمیان، آشنایی زدایی و برجسته سازی در سورة مبارکه واقعه، فصلنامه زبان و ادبیات عربی، پیاپی ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۳۹-۱۶۵. این پژوهش نشان می‌دهد بسیاری از پدیده های طبیعی و مفاهیمی که برای مخاطبان دیروز و امروز قرآن، به اموری عادی تبدیل شده به واسطه آشنایی زدایی و قاعده افزایی برجسته شده است. استفاده گسترده از تکرار صامت ها و مصوت ها، تکرار در سطح کلمه، جمله و ساخت های نحوی، هم چنین به کارگیری ساختار شرطی، استفاده از جمله اسمیه و اسم فاعل از جمله شیوه های زبانی و ادبی به شمار می‌رود که در سورة واقعه برای آشنایی زدایی و برجسته سازی به کار گرفته شده است.

۳- خدابخش اسداللهی، منصور علی زاده بیگدلو، آشنایی زدایی و هنجارگریزی معنایی در غزلیات مولوی، شعر پژوهی بوستان ادب - علوم اجتماعی و انسانی، ۱۳۹۱، صص ۱-۲۰. این مقاله بر آن است که به بررسی فراهنجاری معنایی در دیوان شمس بردازد و نمونه هایی برجسته از این نوع فراهنجاری را نشان دهد. دستاورد تحقیق، از پرداختن مولانا به انواع فراهنجاری معنایی در دیوان شمس به صورت گسترده و برجسته حکایت دارد.

۴- علی طاهری، آشنایی زدایی و برجسته سازی کلام در خطبه های نهج البلاغه با بهره گیری از صنعت التفات، پژوهشنامه نهج البلاغه، زمستان ۱۳۹۴، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۱-۲۳. در آن صنعت التفات را از انواع شیوه های آشنایی زدایی و برجسته سازی در کلام معرفی کرده و التفات را در قالب انواع تغییرات سبکی از قبیل تغییر در ضمایر و جز آن بررسی نموده است.

۵- حمیدرضا مشایخی، زینب خدادادی، بررسی هنجارگریزی در بخشی از اشعار نزار قبانی، نقد ادب معاصر عربی، بهار و تابستان ۱۳۹۱، دوره ۲، شماره ۲، صص ۵۱-۷۹. در این جستار بررسی شده که نزار قبانی از هنجارگریزی در جهت برجسته سازی اشعار خود بهره برده است. وی با تأثیر از فرهنگ و ادبیات غربی و نگاه نافذ به

میراث شعر عربی در جهت هنجارگریزی آوایی، معنایی، واژگانی، سبکی، و جز آن گام‌هایی مؤثر در زبان شعری برداشت. این مقاله به طور خاص در پی بررسی انواع هنجارگریزی قبانی در دیوان شعری «الرسم بالکلمات» است.

۶- احمدی، نوروزی، جلوه‌های فراهنجاری در سوره مبارکه مریم علیها السلام، پژوهش‌های ادبی قرآنی، پاییز ۱۳۹۲، دوره ۱، شماره ۳، صص ۴۹-۶۰. در سوره مبارکه مریم علیها السلام هم چون دیگر سوره‌های این کتاب آسمانی جلوه‌های زیبایی از این هنرمندی حضرت حق وجود دارد که چگونگی اجرا و شیوه پیاده شدن آن‌ها موضوعی است که این پژوهش به دنبال بیان گوشه‌ای از آن می‌باشد.

۷- خدابخش اسداللّٰهی، منصور علی زاده بیگدلو، فراهنجاری نحوی در غزلیات شمس تبریزی، شعرپژوهی (بوستان)، ۱۳۹۲، سال ۵، شماره ۳، صص ۱-۲۲. مقاله با تأکید بر مشخصه‌هایی چون تطبیق صفت با موصوف، عدم مطابقت نهاد با فاعل، ایجاد پرش ضمیر، گسترش دادن جزء اول فعل و نیز با طرح مؤلفه‌هایی نظیر قلب نحوی، مطابقه فاعلی، چینش واژگانی، استعمال هنری فعل‌های مرکب به عنوان عناصر نظم آفرین، بیان می‌کند که مولانا قصد دارد ضمن ایجاد آشنایی زدایی و درنگ هنری، خواننده را برای کشف مقاصد زیباشناسی انحرافات و سرپیچی‌های نحوی خود که عبارت از القای مفهوم کثرت و تنوع و گریز از محدودیت‌ها است، ترغیب کند و نیز مخاطب را در رسیدن به شکل هنری خود از طریق توجه به نقش عناصر نظم آفرین راهنمایی نماید.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- مفهوم فورگراندینگ به چه اندازه در سوره مبارکه نور نمود دارد؟
- ۲- این مفهوم و مصادیق آن چگونه تجلی یافته است؟

۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- با عنایت به زیبایی لفظی و معنایی که در سوره مبارکه نور موجود است، مفهوم فورگراندینگ (برجسته‌سازی) بسامد بالایی دارد.
- ۲- با این مفهوم جایگیری عالی در سوره نور بروز یافته است.

۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

قرآن کریم به عنوان معجزه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مطرح است و برای ترسیم معارف خود از تمهیدات ادبی و هنری گوناگونی بهره گرفته، از زمان‌های دور پژوهش‌های فراوانی جهت درک مفاهیم قرآن کریم صورت گرفته است. پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع نشان می‌دهد که اندیشمندان با دیدگاه‌های مختلف ادبی، کلامی و تفسیری سعی در تبیین قرآن داشته‌اند ولی در سال‌های اخیر به «موضوعات ساختاری» توجهی بیش‌تر شده و این مهم عرصه‌ای جدید را برای پژوهشگران فراهم ساخته است؛ لذا با توجه به اهمیت ساختار در کشف رموز

قرآن، لازم و ضروری است که تحقیقاتی گسترده در این زمینه صورت گیرد. اهمیت ساختار و جذابیت‌های آن ضمن آشکار نمودن گوشه‌هایی از لطایف، دقایق و رموز هنری و جنبه‌های زیباشناختی، نشان می‌دهد که این معجزه الهی از موضوعات ساختاری وهنجارگریزی برای اثرگذاری بیش‌تر در مخاطب کمک گرفته است. این پژوهش مبتنی بر الگوهای روشمند و علمی لایه‌های معنایی عمیق‌تر و دقیق‌تری به دنبال کشف و نمایاندن اهمیت و ضرورت این شیوه و رویکردهای آن در فهم و تفسیر معجزه جاوید پیامبر ﷺ می‌باشد.

۱-۵. روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بر محوریت نقد فرمالیستی است؛ مهم‌ترین و اصلی‌ترین نظریه فرمالیست‌ها این بود که منتقد پیش از برخورد با اثر، باید به دنبال ادبی بودن آن باشد، به بیان دیگر با پرداختن به شکل آن بتواند بگوید کدام نوشته ادبی و کدام نا ادبی است. تأکید آنان بر گوهر اصلی و ادبیت متن بود؛ بنابراین فرمالیست‌ها تنها خود اثر را در نظر می‌گرفتند و می‌کوشیدند تا اجزای سازنده ادبیت متن را از شکل و بنیان آن استنتاج کنند.

۲. بررسی مفهوم فورگراندینگ

فرمالیسم (شکل‌گرایی) روسی، مکتبی که شاید نوآورترین مکتب قرن بیستم باشد، عجیب‌ترین سرنوشت را نیز داشته است. (ایوتادیه، ۱۳۷۸: ۱۹) گرچه پیدایش مکتب «فرمالیسم» مانند هر مکتب دیگری ریشه و زمینه‌های قبلی در آثار متفکران قدیم دارد (شایگان فر، ۱۳۸۰: ۴۲)، مکتبی است در نقد ادبی (و مباحث زبان‌شناسی) که در خلال جنگ جهانی اول در روسیه به وجود آمد و در اوایل قرن بیستم شکفت. (شمیسا، ۱۳۷۲: ۲۹۱). نخستین فرمالیست‌های روسی بر این نظر بودند که «محتوای» انسانی (عواطف، اندیشه‌ها و واقعیت به طور کلی)، فی‌نفسه، فاقد معنای ادبی است، و صرفاً زمینه را برای عملکرد «تمهیدات» ادبی فراهم می‌سازد. همان‌طور که خواهیم دید، فرمالیست‌های بعدی، این مرزبندی دقیق میان صورت و محتوا را تعدیل کردند. هدف فرمالیست‌ها بیش‌تر این بود که کلیه مدل‌ها و فرضیات (به شیوه عملی) به تبیین این مسئله بپردازند که تمهیدات ادبی چگونه نتایج زیبا شناسانه به بار می‌آورند، و چگونه امر ادبی از «فوق-ادبی»^۱ متمایز و با آن مرتبط می‌شود. در حالی که منتقدان جدید، ادبیات را شکلی از ادراک انسانی به شمار می‌آوردند، فرمالیست‌ها آن را نوعی کاربرد ویژه زبان قلمداد می‌کردند (سلدن و ویدوسون، ۱۳۹۲: ۴۵). از مهم‌ترین نظریه‌های فرمالیست‌ها یکی آشنایی زدایی از موضوعات، دشوار کردن قالب‌ها، افزایش دشواری و مدت زمان ادراک حسی می‌باشد؛ زیرا فرایند ادراک حسی فی‌نفسه یک غایت زیباشناسانه است (همان، ۵۰). و دیگری برجسته‌سازی است چون جریان ادراک در گفتار عادی و روزمره به طور خودکار صورت می‌گیرد، اما سخن ادبی با تصرف در نظام عادی زبان، درنگ ایجاد می‌کند و جریان خواندن خودکار را دچار اختلال می‌سازد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۷۴).

نحوه برخورد فرمالیست‌ها با متن: الف- یافتن یک متن منقح و تصحیح شده؛ ب- خواندن چندبارۀ شاهکار ادبی؛ پ- خواندن با صدای بلند؛ زیرا شکل دادن به واژه‌ها باتلفظ آواها و هجاها در انتقال و درک مفهوم، نقشی مهم دارند؛ ت- هوشیاری به هنگام خوانش؛ ث- توجه به واژگان و ترکیبات متن باید نسبت به معنای قاموسی و فراقاموسی واژگان دقت کرد؛ ج- اهمیت دادن به صور خیال؛ چ- بررسی صنایع بدیعی (شایگان فر، ۱۳۸۰: ۵۳-۵۵). آن‌چه در ادبیات از همه مهم‌تر است و جنبه‌کاملاً بلاغی دارد، بحث فورگراندینگ است. فورگراندینگ هر تخصص و برجستگی زبانی است. (شمیسا، ۱۳۷۲: ۳۴). برجسته‌سازی به دو بخش هنجار کاهی و هنجار افزایی تقسیم می‌شود. فراهنجاری قسمتی از برجسته‌سازی می‌باشد، زبان واقعیتی اجتماعی است، و به این عنوان، ناگزیر تابع هنجارهایی می‌شود (غیائی، ۱۳۷۸: ۶۳). نرم، قواعد و متعارفات و راه و روش‌های زبانی (اعتقادی فکری و ادبی) هر دوره است. (شمیسا، ۱۳۷۲: ۲۸۵). زبان نظامی پرداخته و همگن نیست. در موارد بسیار، امکانات دیگری، جز آن‌چه در موقعیت‌های صوری حاکم هستند، گسترش می‌یابند (غیائی، همان، ۶۳).

۳. بررسی آشنایی زدایی و برجسته‌سازی در سوره نور

سوره نور در جزء ۱۸ قرآن و دارای ۶۴ آیه و سوره ای مدنی می‌باشد. بررسی ساختار سوره نور و تقسیم بندی آیات سوره بر اساس محتوای آیات:

آیات ۱-۳۱: سیاست پیشگیری از فحشا: تنبیه زن و مرد زناکار در برابر چشم دیگران، محدود کردن ازدواج آنان، مجازات هشتاد تازیانه در نسبت ناروا بدون ۴ شاهد، عذاب تهمت زندگان به همسر پیامبر ﷺ، برخورد با تهمت، عذاب الیم برای علاقه مندان به اشاعۀ فحشا، عدم پیروی از شیطان، عذاب تهمت زندگان به زنان پاکدامن، تعلق سخن زشت به افراد خبیث، نحوه ورود به خانه دیگران، نگاه و آداب نگاه کردن، (قرائتی، ۱۳۷۵: ۱۳۱) آیات ۳۲-۳۴: اهمیت ازدواج (همان، ۲۳۵)، آیات ۳۵-۳۶: معرفی خدا، آیات ۳۷-۳۸: نشانه مؤمن مخلص و پاداش او (همان، ۱۰۲)، آیات ۳۹-۴۰: کیفر رویگردانی از حق (همان، ۲۶۰)، آیات ۴۱-۴۶: دعوت به عبادت خدا و شناخت مخلوقات.

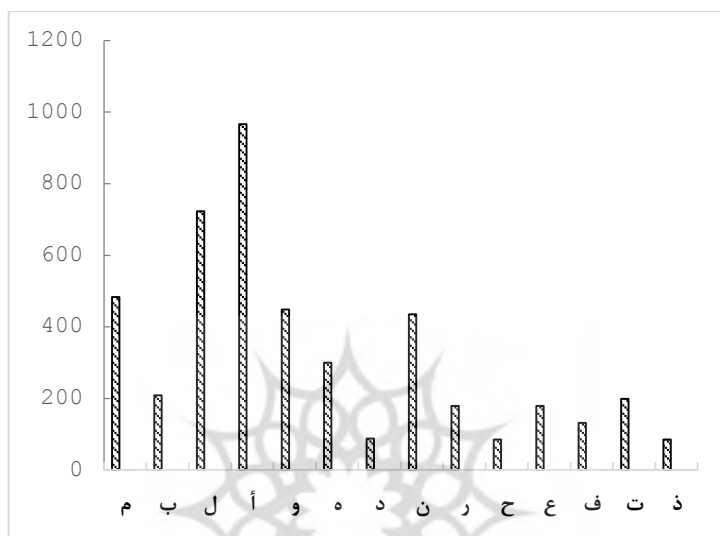
۴. گونه‌های آشنایی زدایی و برجسته‌سازی در سوره مبارکه نور

۴-۱. فراهنجاری آوایی سوره نور

تحلیل آوایی عبارت از بررسی آواهای زبان است آن گونه که در گفتار تولید و ادراک می‌شوند، شیوه تلفظ واژه‌ها در گفتار و الگوهای زبان نوشتار «نویسه‌شناسی»^۱ با استفاده از علم آواشناسی^۲ بررسی می‌شود. در این نوع فراهنجاری، گوینده از قواعد آوایی زبان معیار پای بیرون می‌گذارد و صورت آوایی رایج را به کار نمی‌برد.

1. Graphology
2. Phonology

تفاوت های آوایی واژگان از لهجه ها و گونه های اجتماعی زبان وارد ادبیات منشور محلی می شود. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۳ و ۲۳۸). اگرچه واج واحد انتزاعی یا نوعی صوت (در ذهن) است، ولی گونه های بسیار مختلفی از آن صوت در گفتار تولید شده در عمل (در دهان) می تواند وجود داشته باشد که می توانیم این گونه ها را آوا بنامیم (یول، ۱۳۸۵: ۶۲).

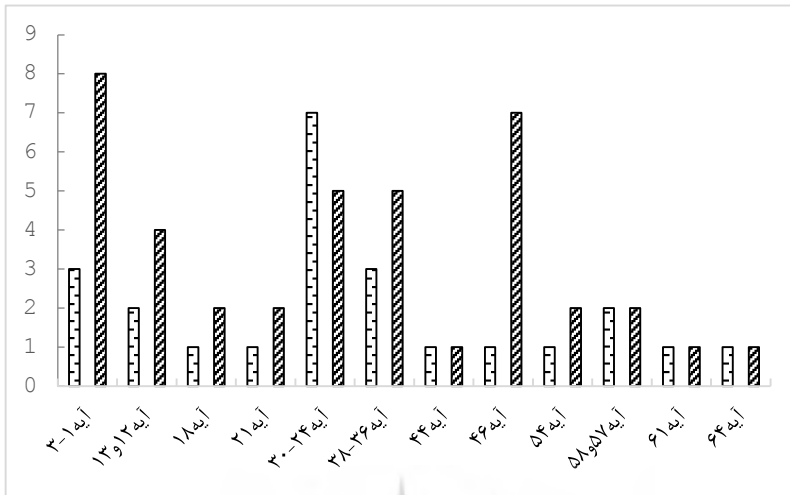


نمودار ۱: حروف پرتکرار شمارش شده در سوره نور

همان طور که قابل مشاهده است بیشترین تکرار مرتبط با حروف «ا، ل، م» می باشد و حروفی که تعداد آنها کم تر از این حروف است، «ف، د» هستند.

هم آبی حروف در واژگانی که در ابتدا و پایان آیات هستند مورد توجه واقع شده است چرا که در بیش تر آیات حروف ابتدایی «ا، و» هستند که خیلی زیبا و چشم نواز آیتی که با این حروف آغاز می شوند، در پایان آیه نیز گاه به حروف «م، ن» ختم می شود که به عنوان حسن ختام انتخاب شده و کم تر آیه ای یا حروف «ل، ی، خ، ف، ر» شروع می شود و به حرفی غیر از «م، ن» ختم می گردد، چشم با دیدن این همه تناسب بین حروف به آیات خیره می ماند. آیاتی که شروع و پایانی مشخص دارد حتی زمانی که از این ریتم معین خارج می شود باز هم طبق قاعده ای خاص، پیوند میان این که آیا آیه با حرف مشخص شروع یا پایان یابد، برقرار می باشد، برای مثال در نمودار زیر آیاتی که حرف ابتدایی شان غیر از «ا، و» است با رنگ سفید نشان داده شده است، کاملاً با آیاتی که

با حرف «أ، و» آغاز گشته‌اند، هماهنگی و تناسب دارند تا ذهن دچار تکرار نشود و دقیق تر بنگرد.

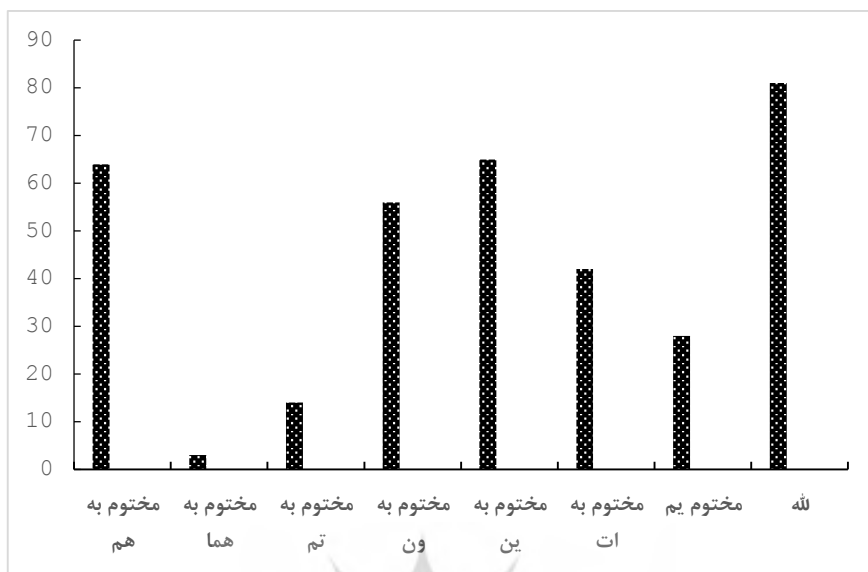


نمودار ۲: حروف آغازین شمارش شده

۲-۴. فراهنجاری واژگانی

کاربرد واژه‌های نامتعارف که در زبان عادی رایج نیست، خروج از زبان عادی یا انحراف از معیار به شمار می‌رود. واژه‌های ناآشنا و غیر معمول دو دسته تقسیم می‌گردند: واژه‌های ناشناخته، واژه‌های نوساخته واژه‌های ناشناخته از خود زبان هستند، اما به دلیل عدم کاربرد به بخش‌های ناشناخته زبان رانده شده‌اند و در زبان معیار رواج ندارند، ولی واژه‌ای که نویسنده یا شاعر براساس قیاس دستوری می‌سازد و پیش از آن در زبان وجود نداشته به «نو واژه» مشهور است. بررسی این سطح از سبک هم‌چون کوچک‌ترین واحدهای معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت واژه‌ها، معنای آن، ائتلاف معنایی واژه‌ها با هم، دال‌ها و نشانه‌ها و مانند آن به کمک دانش تکواژ شناسی^۱ (علم صرف) امکان پذیر است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۳ و ۲۳۸). گاهی بسامد برخی از لغات در آثار کسی توجه برانگیز است، از این رو در تعیین سبک شخصی راهگشا است یا هنرمند رفتار ذهنی خاصی با برخی از کلمات دارد، یعنی معنای خاص یا احساسی خاص را به آن‌ها حمل می‌کند (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۵۴).

واژگان مسجع که وزن و قافیه مشابه دارند به وفور در این سوره به چشم می‌خورند، در نمودار زیر واژگانی که دارای قافیه مشترک هستند، بررسی شده‌اند. این واژگان گاه دارای وزن مشابه هستند که در زیبایی و آهنگین شدن آیات جایگاهی شایان داشته‌اند.



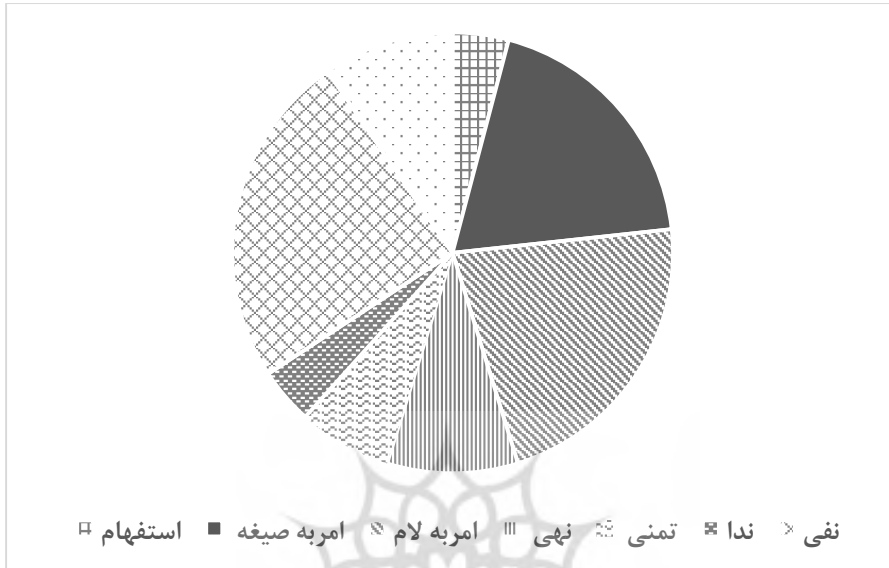
نمودار ۳: واژگان هم قافیه شمارش شده

در این سوره بیش‌تر آیات با اشاره به صفت‌های ثبوتی خدای تعالی چون تواب حکیم، غفور رحیم، سمیع علیم، رؤوف رحیم، واسع علیم و جز آن‌ها پایان می‌یابد. و این صفات با قافیه و وزن مشابه از بیش‌ترین نمود در آیات این سوره برخوردار می‌باشند.

۳-۴. فراهنجاری نحوی

قواعد دستور زبان باید ویژگی مهم تکرار را داشته باشد، قواعد تکراری (که هر بار قابل تکرار هستند) این توانایی را دارند که بیش‌تر از یک بار اعمال شوند. در اصل، دستور زبان باید قادر به لحاظ کردن این واقعیت باشد که یک جمله می‌تواند حاوی جملاتی در درون خویش باشد یا این‌که یک گروه می‌تواند بارها و بارها (به حد لزوم) تکرار شود. باید توجه شود که این نوع تکرار، فقط یک ویژگی دستور زبان نیست، بلکه هم‌چنین بخشی اساسی از یک نظریه ساخت کیهانی را تشکیل می‌دهد (یول، ۱۳۸۵: ۱۲۴). جمله از نظر محور همنشینی و دقت در ساخت‌های غیر متعارف، کوتاه یا بلند بودن در سطح نحوی بررسی می‌شود، گاهی سیاق عبارت و طرز جمله بندی و به عبارت دیگر نحوه بیان مطلب به لحاظ جمله بندی جلب توجه می‌کند (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۵۵). شاعر یا نویسنده با جا به جا کردن عناصر جمله و تغییر جایگاه معمول آن‌ها ساخت عادی زبان را در هم می‌ریزد. اگر هنجار گریزی نحوی به صورتی باشد که در کلام شخص به یک عادت زبانی بدل شود و ویژگی سخن وی به شمار آید، نحو شخصی وی را شکل می‌دهد. بررسی ساختمان جمله‌ها، روابط واژه‌ها باهم، شیوه‌های ترکیب واژه‌ها در عبارت‌ها و جمله‌ها، نظم و دستورمندی واژگان، تحلیل نقش معنا شناسیک معنا

در جمله و موارد مشابه دیگر در قلمرو نحو قرار می‌گیرد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۴، ۲۳۸). در نمودار زیر انواع جملات انشایی موجود در سوره نور بررسی شده است.



نمودار ۴: جملات انشایی

در سوره نور بیش‌تر جملات انشایی طلبی هستند که شامل استفهام، امر، نهی، ندا و تمنی می‌گردند. استفهام، یعنی طلب علم نسبت به چیزی که قبلاً از آن اطلاع نداشتیم. استفهام ممکن است با هل یا همزه، با همزه می‌تواند استفهام از تصور باشد یا تصدیق، اما هل به استفهام تصور اختصاص دارد. در سه آیه، نمونه استفهام با همزه وجود دارد که در دو آیه به صورت «أَلَمْ تَرَ أَنَّ» ذکر شده و در آیه ۴۱ بیان می‌شود: «أیا ندیدی که هر آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است و پرندگان خدای را ستایش می‌کنند» این پرسشی انکاری است؛ زیرا همراه با لحن سرزنش آمیز می‌باشد و بیان می‌نماید که انسان از جواب آن مطلع بوده ولی به این موضوع توجه نکرده است. در آیه ۴۳ نیز به نحوه تشکیل ابر و بارش باران اشاره می‌شود و غفلت انسان را متذکر می‌گردد، اما در آیه ۵۰ پرسشی که نمونه‌های پاسخ نیز در آن یادآور شده برای اشاره به عدم توجه به فرمان الهی که باید اطاعت می‌گشته ولی از آن سرپیچی صورت گرفته است. در این سوره شواهد بسیاری از امر، گاه امر به صیغه و گاه با لام امر است. هم‌چنین تعداد زیادی نهی وجود دارد و در کنار این موارد تعدادی انگشت شمار ندا و تمنی نیز به چشم می‌خورد. شایان ذکر می‌باشد که در کنار این جملات، جملات تأکیدی و اسمیه هم در این سوره آورده شده است. در نمودار شماره ۴ تلاش شده بیش‌تر بر جملات انشایی طلبی تکیه شود، اما به علت فراوانی تعداد جملات نافی و جملاتی که با لولا

آغاز شده اند، ذکر آنها نیز خالی از فایده نیست. در میان جملات خبری نیز ۱۸ جمله با «إِنَّ» همراه گردیده و بیانگر تأکید است، اما در سه مورد با اتصال ما به آن به عنوان یکی از ادات حصر ضمنی با ماندن از اعراب اصلی خود - نصب اسم و رفع خبر - بر انحصار حکم و نسبت دلالت می‌نماید.

۴-۴. فراهنجاری بافتی

هر گاه زبان برای بیان مفهومی خاص، عبارتی مناسب در اختیار نداشته باشد، سخنگویان اغلب با گزینش واژه موجود معنای آن را به طریقی قابل ملاحظه گسترش می‌دهند. در این گونه موارد، زبان واژه‌ای جدید را برگزیند و واژگان خود نمی‌افزاید، اما چون واژه ای به مفهوم تازه به کار برده می‌شود، مثل این است که واژه ای تازه بر زبان افزوده می‌گردد (آکماجین و همکاران، ۱۳۷۵: ۵۹). انتقال کلام از یک بافت موقعیتی به بافت دیگر موجب فراهنجاری در کلام می‌شود. بافت متنی نیز در انواع ادبی، سبک های عمومی و شاهکارهای ادبی وجود دارد. هر کدام از این بافت ها دارای هنجار و نرم مشخصی هستند که به آن بافت متنی گویند. خروج از هنجارهای یک نوع ادبی یا نظام متنی یا یک سبک عمومی نیز در شمار فراهنجاری بافتی متن محسوب می‌شود. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۵). «نُورٌ عَلٰی نُورٍ» (نور/ ۳۵)، «روشنی بر روی روشنی است» این آیه از جمله آیاتی است که در طول زمان به خاطر کثرت استعمال و اتقان مضمون و بلاغت فزون از حد، حالت مثل به خود گرفته است و پیوسته گویندگان بر این آیه و آیه «وَمَا عَلٰی الرَّسُولِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِينُ» (نور/ ۵۴)، «... و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [مأموریتی] نیست.» مانند دیگر مثل ها تکیه می‌کنند (سبحانی، ۱۳۹۰: ۵۲). «رِجَالٌ لَا تُلٰهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللّٰهِ» (نور/ ۳۷)، «مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا به خود مشغول نمی‌دارد.» در این آیه، نفی شیء، با ایجاب آن صورت گرفته است: «وَالَّذِينَ كَفَرُواْ اَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَقِيْعَةٍ يَّحْسِبُهُ الظَّمَاْنُ مَاءً...» (نور/ ۳۹)، «و کسانی که کفر ورزیدند، کارهایشان چون سرابی در زمین هموار است که تشنه آن را آبی پندارد...» «سراب» درخشندگی است که نقطه دور در کویر که به نظر آب می‌آید، «قیعة»: جمع «قاع» و آن زمین صاف کویری (و دشت) است. خداوند در این آیه اعمال نیک کافران را از نظر ارزش اخروی به سرابی تشبیه می‌کند که انسان لب تشنه از دور آن را آب می‌پندارد ولی چون به نزدیک آن می‌رسد، چیزی در آن جا نمی‌یابد. بنابراین مشبه کار نیک کافر است که آن را برای ریا و شهرت، یا برای خدایان دروغین انجام می‌دهد، به امید این که پاداشی برای او به ارمغان آورد، ولی سرانجام پاداشی نخواهد داشت. مشبه به سراب است که از نقطه دور، تشعشعات خورشید بر ذرات کویر، آن را آب جلوه می‌دهد و چون فرد به نزدیک آن می‌رسد، جز شن و خاک چیزی نمی‌بیند با این بیان، وجه شبه نیز روشن است و آن این که در هر دو، یک نوع گمان بر بهره گیری به گمان می‌آید، در حالی که کوچکترین بهره ای در کار نیست. «أَوْ كَظُلُمٰتٍ فِیْ بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَّغْشٰهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ مُّظْلِمٰتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ...» (نور/ ۴۰)، «یا کارهایشان مانند تاریکی‌هایی است که در دریایی ژرف است که موی آن را می‌پوشاند [و]

روی آن موجی [دیگر] است...» «لُجی» منسوب به «لُج» است که دریای پهناور و عمیق را گویند ولی مقصود از آن در این جا دریای عمیق و پر موج است. «سحاب» بر ابر سیاه و پر آب اطلاق می‌شود که آماده بارندگی است، در حالی که در لغت عرب «غیم» اعم از آن می‌باشد. کلمه «سحاب» را به کار برده تا نشانه تاریکی بیش‌تر باشد، در این آیه اعمال کافران به تاریکی‌هایی [بر فراز موج‌های برآمده] تشبیه شده که روی هم انباشته شوند و نوری در آن نفوذ نمی‌کند (سبحانی، ۱۳۹۰: ۲۸۴ و ۲۸۸). «... يَكَاذُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ...» (نور/۳۵)، «... نزدیک است که روغنش - هر چند به آن آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد...» نمونه ای از غلو مقبول است که همراه با فعل مقاربه یکاد آن را نزدیک به وقوع می‌نمایاند. «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ...»، «و به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید...» و «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ...» (نور/۲-۳)، «مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به زنی نگیرد...» جمع با تقسیم، ابتدا زانی و زانیه را تحت حکم تازیانه زدن جمع کرده سپس تقسیم آن را در آیه دوم یادآور شده و سرانجام حکم هر کدام را جداگانه ذکر کرده است. در آیه: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نور/۲۴)، «در روزی که زبان و دستها و پاهایشان، بر ضد آنان برای آن چه انجام می‌دادند، شهادت می‌دهند.» میان آن‌ها مراعات النظیر وجود دارد؛ زیرا هر سه از اعضای بدن است. «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور/۳۶)، «در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند.» بین غدو (بامدادان) و الآصال (شامگاهان) تضاد می‌باشد. «اللَّهُ يَغْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ» (نور/۲۹)، «و خدا آن چه را آشکار و آن چه را پنهان می‌دارید می‌داند.» میان تبذون و ما تکتمون تضاد وجود دارد.

۴-۵. فراهنجاری معنایی

نوآوری‌هایی که به تغییر معنای واژگان می‌انجامد، و نه به تغییر نقش دستوری یک صورت زبانی، زیر عنوان تغییر معنایی طبقه بندی می‌شوند، بافت‌ها و ترکیب گروه‌ها در متون قدیمی‌تر که صورت زبانی خاصی در آن‌ها به کار رفته است، اغلب نشان می‌دهند که صورت مزبور، روزگاری معنایی دیگر داشته است. امروزه ما به راحتی می‌توانیم ببینیم که هر تغییری در معنای یک صورت زبانی تنها نتیجه بروز تغییری در استعمال آن صورت زبانی و صورت‌های زبانی دیگر است که از نظر معنایی با آن‌ها مرتبط هستند. پژوهندگان پیشین، به هر حال، با این مسئله طوری برخورد می‌کردند که گویی صورت زبانی چیزی به نسبت پایدار است و معنا هم چون پیرو یا ملازمی تغییرپذیر به آن می‌پیوندد. (بلومفیلد، ۱۳۷۹: ۵۰۰-۵۰۲). سازگاری عناصر طبقات دستوری با یکدیگر بر روی زنجیره گفتار را نظم و هم‌نشینی گویند. این باهم آیی واژه‌ها تابع قواعد معنایی حاکم بر زبان معیار است. فراهنجاری معنایی، نوعی انحراف در ژرف ساخت جمله به شمار می‌رود، قاعده‌گریزی محتوایی، در صناعات معنوی و صورت‌های مجازی رخ می‌دهد. این گروه که متعلق به ساخت‌های معنایی یا درون‌ه زبان هستند، آرایه

معنایی نامیده می‌شوند. معناشناسی دربارهٔ جمله و ارزش صدق معنای آن بحث می‌کند و به سرنوشت گزاره های زبانی و معناداری جمله و مطابقت کلام با واقع و بررسی صدق و کذب گزاره ها می‌پردازد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۶، ۲۳۸). آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُعْضَوْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» (نور/۳۰)، «به مردان باایمان بگو: «دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند...» آیه «ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ» بدل از «يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» می‌باشد، «... أَوْ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَنْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ...» (نور/۳۱)، «یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند» معنای مراعات شده عدم کثرت است، یعنی آوردن نعت جمع (الذین: موصول و صلهٔ آن)، قیاسی و جایز است ولی کثرت ندارد آن هم به جهت تشاکل لفظی، چون موصوف (الطفل) مفرد است، آیه «إِنْ أَرَدْنَا تَحْصِنًا» (نور/۳۳)، «در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند»: اظهار رغبت در وقوع را بیان می‌کند و شاهد بر «ان اردن» است که بعد از «ان» شرطیه، ماضی آمده نه مضارع به خاطر کمال رضایت خداوند بر پاکدامنی و عفت کنیزان. «... كَمِشْكَاءٍ ... يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ...» (نور/۳۵)، «چون چراغدانی ... نزدیک است که روغنش - هر چند بدان آتشی نرسد- روشنی بخشد...» «المشكاة» کلمه‌ای هندی است (شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۰۹/۱، ۳۵۹، ۵۳۲). چراغدان، طاقچه‌ای پنجره شکل است که در بعضی دیوارهای آن شیشه قرار داده اند تا نور چراغ به بیرون منعکس شود و باد آن را خاموش نکند. «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» زیتها مسند الیه (اسم یکاد) و یضیء مسند (خبر آن) که اگر یکاد حذف شود مقصود که بیان احتمال و نزدیکی وقوع اتفاق است، محقق نمی‌شود. «... وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ... وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» (نور/۳۰-۳۱)، «... [مردان] پاکدامنی ورزند... و [زنان] پاکدامنی ورزند...» مقصود از فرج در این آیات، شکاف پیراهن است، و چنین تعبیری را باید از لطیف‌ترین و زیباترین کنایات در قرآن دانست که نشان از پیراسته سخنی قرآن در پرداختن به مسایل جنسی است (نصیری، ۱۳۹۰: ۱۶۲-۱۶۳). در آیه «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور/۳۶)، «در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند» شبه کمال اتصال وجود دارد و آن پاسخ جملهٔ ما قبل خود است، مسند الیه حذف شده چرا که قرینه ای بر آن دلالت می‌کند و یسبحه رجالٌ گویی در پاسخ من یسبحه؟ ذکر شده است در آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (نور/۳۵)، «خدا نور آسمان‌ها و زمین است...» وقتی واژه نور یا تاریکی را بر زبان جاری می‌کنیم بی اختیار دو پدیدهٔ روز و شب که در پی حضور و غیبت تابش خورشید بر زمین رخ می‌نمایند، به ذهن تداعی می‌کند، اما در این آیه به نوع دیگر از نور و ظلمت اشاره می‌شود و خداوند را نور آسمان‌ها و زمین می‌داند. (نصیری، همان، ۸۹). این آیه برای تعظیم خداوند متعال به کار رفته است. (طیبی، ۱۹۸۷: ۸۶). «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ» (نور/۴۵)، «و خداست که هر جنبنده‌ای را [ابتدا] از آبی آفرید...» این آیه، مخاطب را منکر تلقی می‌کند و دارای دو معنا می‌باشد یکی آن‌که هر شخص معینی از آب معینی - همان نطفه - آفریده شده و یا هر نوع از نطفه از نوعی آب است (همان، ۸۳).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی فورگراندینگ در سوره مبارکه نور پرداخته شده است، فورگراندینگ که از مفاهیم مکتب فرمالیسم روسی است به بررسی هر برجستگی و تشخیص متن ادبی به طور عام می‌پردازد. فورگراندینگ در بررسی ادبی دارای اهمیت فراوان است و جنبه کاملاً بلاغی دارد. در توضیح فورگراندینگ از شاخه‌های فراهنجاری استفاده شده است؛ چرا که فراهنجاری به فراهنجاری‌های آوایی، فراهنجاری واژگانی، فراهنجاری نحوی، فراهنجاری بافتی و فراهنجاری معنایی تقسیم می‌شود و این تقسیم بندی در تبیین هر چه بیش‌تر مفهوم آشنایی زدایی و برجسته سازی مؤثر است و این مرز بندی به شناخت بیش‌تر و کامل‌تر منجر می‌شود. در سوره مبارکه نور نمودهای بسیاری از فراهنجاری وجود دارد که این فراهنجاری‌ها در کنار هم باعث زیبایی آیات این سوره شده است. در تبیین فراهنجاری آوایی از تکرار حروف برای تبیین فورگراندینگ استفاده گشته و با ترسیم دو نمودار بیان شده که تکرار حروف باعث ایجاد ریتم و زیبایی شنیداری این سوره گردیده است. در فراهنجاری واژگانی از سطح ریتم حرف فراتر رفته و بیان شده است که این زیبایی ریتمیک که در بین آیات شنیده می‌شود تنها از یک حرف منتشر نمی‌شود، بلکه هم آهنگی آخر واژگان آن را به وجود می‌آورد و با نموداری این هم آهنگی نشان داده می‌شود و بیانگر آن می‌باشد که کلمات پایانی آیات باعث زیبایی شده است، زیبایی که هم در لفظ و هم آوا شنیده می‌شود. در فراهنجاری نحوی به بررسی تکرار نهی، نفی، تمنی، امر به صیغه و امر به لام، استفهام و ندا در سوره مبارکه نور پرداخته شده است. فراهنجاری بافتی و فراهنجاری معنایی واژگان و عبارات نیز مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

منابع و مآخذ

۱. آکماجین، آندرین، آ. دمرز، ک. فارمر، م. هارنیش (۱۳۷۵)، زبانشناسی (درآمدی بر زبان و ارتباط)، ترجمه خسرو غلامعلی زاده، چاپ اول، کرمانشاه: انتشارات طاق بستان.
۲. احمدی، محمدنبی، عبدالصاحب نوروزی (۱۳۹۲)، «جلوه های فراهنجاری در سورة مبارکه مریم علیها السلام»، پژوهش های ادبی - قرآنی، پاییز سال اول، شماره سوم، صص ۴۹-۶۰.
۳. اسداللهی، خدابخش، منصور علی زاده بیگدیلو (۱۳۹۱)، «آشنایی زدایی و فراهنجاری معنایی در غزلیات مولوی»، بوستان ادب، پاییز، سال چهارم، شماره اول، صص ۱-۲۰.
۴. _____، (۱۳۹۲)، «فراهنجاری نحوی در غزلیات شمس تبریزی»، شعر پژوهی (بوستان ادب)، بهار، سال پنجم، شماره سوم، صص ۱-۲۲.
۵. ایوتادیه، ژان (۱۳۹۰)، نقد ادبی در قرن بیستم، ترجمه مهشید نونهالی، چاپ دوم، تهران: نیلوفر.
۶. بلومفیلد، لئونارد (۱۳۷۹)، زبان، ترجمه علی محمد حق شناس، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۷. سبحانی، جعفر (۱۳۹۰)، مثل های آموزنده قرآن (تبیین ۵۷ مثل قرآنی)، چاپ سوم، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۸. سلدن، رمان، پیتر ویدوسون (۱۳۹۲)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، چاپ پنجم، تهران: ناشرنو.
۹. شایگان فر، حمیدرضا (۱۳۸۰)، نقد ادبی معرفی مکاتب نقد، چاپ اول، تهران: انتشارات دستان.
۱۰. _____، (۱۳۸۴)، نقد، همراه با نقد و تحلیل متون از ادب فارسی، تهران: دستان.
۱۱. شیرازی، احمد امین (۱۳۷۵)، آیین بلاغت شرح فارسی مختصر المعانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طاهری، علی (۱۳۹۴)، «آشنایی زدایی و برجسته سازی کلام در خطبه های نهج البلاغه با بهره گیری از صنعت التفات»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، زمستان، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱-۲۳.
۱۳. طیبی، شرف الدین حسین بن محمد (۱۹۸۷)، التبیان فی علم المعانی و البدیع و البیان، الطبعة الأولى، بیروت: عالم الکتب.
۱۴. فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۰)، سبک شناسی نظریه ها، رویکردها، روش ها، تهران: انتشارات سخن.
۱۵. فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۹)، ترجمه قرآن کریم، چاپ نهم، قم: دار القرآن کریم.
۱۶. قرائتی، محسن (۱۳۷۵)، دقایقی با قرآن (براساس تفسیر نور)، تهران: مرکز فرهنگی هنری درس هایی از قرآن.

۱۷. مختاری، قاسم، مطهره فرجی (۱۳۹۲)، «آشنایی زدایی در جزء سی ام قرآن کریم»، پژوهش های ادبی - قرآنی، تابستان، سال اول، شماره دوم، صص ۹۹-۱۱۶.
۱۸. مشایخی، حمیدرضا، زینب خدادی (۱۳۹۱)، «هنجارگریزی در بخشی از اشعار نزار قبانی»، نقد ادب معاصر عربی، سال دوم، شماره دوم، صص ۵۱-۷۹.
۱۹. ناظمیان، هومن (۱۳۹۳)، «آشنایی زدایی و برجسته سازی در سوره مبارکه واقعه»، مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق)، بهار و تابستان، شماره دهم، صص ۱۳۹-۱۶۵.
۲۰. نصیری، علی (۱۳۹۰)، قرآن راز جاودانگی، قم: وحی و خرد.
۲۱. یول، جورج (۱۳۸۵)، بررسی زبان، ترجمه علی بهرامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات رهنما.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی